

## عنوان مقاله:

هم زیستی صداها در خوانشی از یک داستان مثنوی

## محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهشهای ادب عرفانی (گهر گویا)، دوره 13، شماره 1 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

## نویسنده:

مریم رامین نیا - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گنبد کاووس، گلستان، ایران

## خلاصه مقاله:

«داستان شخصی که در عهد داوود (ع) شب و روز دعا می کرد که مرا روزی حلال ده بی رنج» در ظاهر، داستانی نمادین است که مولوی در پایان داستان، از رمزها پرده برمی دارد و سخن آخر را مانند یک راوی مولف محور بیان می کند. کیفیت گفت و گوها و روند منطقی آنها و نیز لایه های درونی و بیرونی بخش های داستان گویای آن است که در پس این داستان نمادین، هدف دیگری نیز نهفته است که آن را باید از متن بیرون کشید. پرسش اصلی پژوهش این است که اگر هدف مولوی از این داستان رسیدن به یک نتیجه اخلاقی مشخص (کشتن نفس) است، پس آن گفت و گوها و گوهای درازدامن در باب «جهد و توکل» برای چه بود. پاسخ احتمالی ممکن است این باشد که این داستان به ظاهر یکپارچه دو بخش دارد که در بخش اول، مسئله جهد و توکل مطرح می شود و بی آنکه به نتیجه مشخصی برسد پایان می یابد؛ این امر گویای همنشینی مفاهیم جهد و توکل در بافت داستان است. در بخش دوم، موضوع نفس و مبارزه با آن مطرح می شود تا به این آموزه اخلاقی برسد که «گاو نفس را باید کشت».

## کلمات کلیدی:

مثنوی، روایت، جهد و توکل، هم زیستی، صدا

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1209355>

